



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه  
معاونت آموزش  
اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات ارتقای - شهریور ۱۳۹۰

پاسخنامه

پایه :	۱۰	موضوع :	تفسیر
تاریخ :	۹۰/۶/۱۹	ساعت :	۱۶

نام کتاب: تفسیر المیزان، ج ۱۳، سوره مبارکه کهف

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. طبق نظر مصنف در آیه شریفه «وما أنسانیہ الا الشیطان ...» (کهف/۶۳) آیا تصرف شیطان در پیامبران، با عصمت آنان تنافی دارد؟ ج ۳۴۱
  - ا. هیچ منافاتی ندارد.
  - ب. کاملاً منافات دارد.
  - ج. اگر این تصرف منجر به معصیت الهی نگردد، اشکالی ندارد. ■
  - د. تصرف به معنای ایجاد نسیان، اشکالی ندارد.
۲. مرجع ضمیر «أیها» در آیه شریفه «فابعثوا أحدکم بورقکم هذه الی المدینة فلینظر أیها أزکی طعاماً» (کهف/۱۹) چیست؟ د ۲۶۰
  - ا. اطعمه
  - ب. ورق
  - ج. هذه
  - د. مدینه ■
۳. نشانه غفران و رحمت الهی در آیه شریفه «وربک الغفور ذو الرحمة لو یؤاخذهم بما کسبوا لعجل لهم العذاب بل لهم موعد ...» (کهف/۵۸) چیست؟ ج ۳۳۴
  - ا. رفع عذاب
  - ب. جایگزینی رحمت به جای عذاب
  - ج. تأخیر عذاب حتمی ■
  - د. هلاک ظالمین به جهت تطهیر جامعه
۴. مراد از «هذا الحدیث» در آیه شریفه «فلعلک باخع نفسک علی آثارهم إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث» (کهف/۶۷) چیست؟ ب ۲۳۹
  - ا. حدیث «قولوا لا إله الا الله تفلحوا»
  - ب. قرآن ■
  - ج. الدین الحدیث ای جدید وهو الإسلام
  - د. داستان اصحاب کهف

تشریحی:

۱. ا. از نظر مرحوم علامه مراد از «لنعلم» در آیه شریفه: «ثم بعثناهم لنعلم أی الحزین أخصی لما لبثوا أمداً» (کهف/۱۲) چه نوع علمی است؟ ب. مراد از «حزین» چیست؟ ۲۴۹
 

المراد بالعلم العلم الفعلی وهو ظهور الشیء وحضوره بوجوده الخاص عند الله. المراد بالحزین: الطائفتان من أصحاب الکهف (حین سأل بعضهم بعضاً بعد البعث قائلاً کم لبثتم ...).
۲. به نظر مرحوم علامه، چرا غار اصحاب کهف نمی‌تواند همان «افسوس» واقع در کشور ترکیه باشد؟ دو دلیل ذکر کنید. ۲۹۵ (ع: ۱ د: ۲)
  ۱. زیرا شعاع نور خورشید در هنگام طلوع بر جانب راست غار و در هنگام غروب بر جانب شمالی آن می‌تابید در حالی که در غار افسوس به سوی شمال شرقی است.
  ۲. زیرا در داخل غار قسمت مرتفعی بوده که اصحاب کهف بر آن خوابیده بودند؛ در حالی که در غار افسوس چنین مکان مرتفعی وجود ندارد.
  ۳. از قرآن استفاده می‌شود که در کنار آن غار، مسجدی ساختند در حالی که در کنار غار افسوس اثری از مسجد وجود ندارد.

۳. ا. اضافه کردن نه سال به سیصد سال در آیه شریفه «ولبثوا فی کھفھم ثلاث مائة سنین وازدادوا تسعا» (کھف/۲۵) برای چیست؟ ب. مناقشه فخر رازی در این مسأله و پاسخ به آن را بنویسید. ۲۷۶

ا. بیان تاریخ به سال قمری که بین عربها متعارف بود. ب. مناقشه: فخر رازی سال شمسی و قمری در این مدت شش ماه تفاوت دارد پس وجهی برای نه ماه نیست. جواب: این مقدار تفاوت (سه ماه تفاوت) در چنین مواردی نادیده گرفته می شود.

\* «وَلَا تُطْعَمَنَّ أَغْفَلُنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا» (کھف/۲۸) ۳۰۳

۴. پاسخ به کسانی که این آیه را دلیل بر جبر می دانند، چیست؟

پاسخ شبهه: اغفال مزبور در آیه به عنوان مجازات آنهاست؛ چون آنها با حق دشمنی کردند پس خدا هم آنها را گمراه کرد. (به بیان دیگر: اغفال مزبور، اثر وضعی اعمال آنهاست و با توجه به اینکه خداوند این اثر را در آن اعمال قرار داده، اغفال به پروردگار نسبت داده شده است.)

۵. کنایات به کار رفته در شریفه «وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفِّهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا» (کھف/۱۲) را بیان کنید. ۳۱۶ (ع: ۲: د: ۲) «احیط بثمره» کنایه از هلاک شدن و نابود گشتن آن است. «أصبح يقلب كفيه» کنایه از ندامت و پشیمانی است. و «هي خاوية على عروشها» کنایه از خرابی و ویرانی کامل است.

\* «و وضع الكتاب فترى المجرمين مشفقين مما فيه ويقولون يا ويلتنا ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة ولا كبيرة إلا أحصاها ووجدوا ما عملوا حاضراً ولا يظلم ربك أحداً». (کھف/۴۹) ۳۲۴

۶. ا. آیه در مقام «اثبات و احصاء اعمال» است یا در مقام «استفزاز تعجیبی»؟ ب. تقدیم صغیره بر کبیره با کدام مقام مناسب است؟ توضیح دهید.

ا. آیه در مقام استفزاز تعجیبی است. ب. تقدیم صغیره با مقام استفزاز تناسب دارد؛ یعنی زمانی که خداوند صغیره را احصا می کند و عقاب برای آن قرار داده است، برای کبیره به طریق اولی.

۷. اصلاح دیوار که در شریفه «فوجدوا فيها جداراً يريد أن ينقض فأقامه» (کھف/۱۲) به آن اشاره شده، به نحو خارق العاده بوده یا معمولی؟ به چه دلیل؟ ۳۴۶

آیه شریفه می فرماید: حضرت خضر(ع) دیوار را اقامه کرد ولی کیفیت آن را بیان نفرموده تنها چیزی که می ماند این است که درخواست مزد - که پیشنهاد حضرت موسی(ع) بود - مشعر به این است که اقامه دیوار از راه معجزه صورت نگرفته است.

\* «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَباً» (کھف/۸۴) ۳۶۰

۸. مراد از «تَمَكَّنَ فِي الْأَرْضِ» و «إِتَاءَ السَّبَبِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» را بیان کنید.

۱. الاقتدار والقدرة على التصرف في الأرض بالملك كيفما شاء وأراد (وربما يقال: المعنى: إعطاء الاستقرار والثبات بحيث لا يزيله عن مكانه أى مانع مزاحم)

۲. السبب: الوسيلة والمعنى إيتائه سبباً من كل شيء أن يؤتى من كل شيء يتوصل به إلى المقاصد الهامة. (كالعقل والعلم وقوة الجسم وكثرة المال و...)

\* «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدَأَ». ۲۶۲

۹. به نظر مصنف، با توجه به این که اگر کسی را مجبور به بت پرستی کنند، چنانچه قلباً مؤمن بوده، عقلاً و نقلاً معذور است؛

پس چرا بعد از «يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ» فرموده است: «وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدَأَ»؟

درست است که اگر کسی اضطرار به بت پرستی و انجام اعمال بت پرستان پیدا کند، عقلاً و نقلاً معذور است؛ ولی انسان آزاد مجاز نیست با اختیار خودش، خود را در مکانی قرار دهد که او را مجبور به بت پرستی و کفر نمایند و نتواند وظایف خود را انجام دهد.